

ذکر خنجر، نمایشی آیینی

فاطمه شعبانی اصل*

مقدمه

در هر فرهنگی، اعتقاد به نیروهای خیر و شر، با توجه به ویژگی‌های تاریخی - جغرافیایی و قومی آن ناحیه، شکل گرفته و بروز یافته است. چنانکه بعضی از اقوام، حتی به موجودات بی‌جان طبیعت هم روح نسبت می‌دادند و تصور ایشان از این موجودات به صورت هیکل مادی بوده و بعدها به اشباح خارج از شمایل مبدل شده است. با شروع دوره مذهبی حیطه قدرت و تسلط بسیاری از این ارواح و قدرت‌های بیشمار را که بشر می‌توانست با آنها بسیاری از معضلات روحی و ذهنی خود را چاره کند بطور کلی پاک و زایل ساخت و تمام آنها توانستند با تغییر هویت، موجودیت خود را در فرهنگ‌های دیگر ادامه دهند.

در هنگام تسخیرشدگی، فرد در کنترل این نیروهاست و در اعمال و رفتار اراده‌ای از خود ندارد و تحت تأثیر قدرت این نبردهاست. فرهنگ‌های بومی روش‌های کهن و باستانی را برای درمانگری به کار می‌برند. در فرهنگ ترکمن درمانگران بخش جدایی ناپذیر اجتماع هستند. آنچه در پی می‌آید مرور مختصری است بر موسیقی درمانی و مراسم ذکر در بین ترکمن‌ها.

تاریخچه مراسم ذکر خنجر

ذکر گفتن یکی از آیینهای جهانی و مشترکی است که تقریباً در تمامی مذاهب و فرهنگ‌های مختلف با اشکالی کم‌وبیش مشابه قابل ردیابی است. ذکرها یا در درون و قلب عبادت‌کننده تکرار و جاری می‌شوند و یا بر زبان می‌آیند. ذکر که بر زبان جاری می‌شود از جمله آیین‌هایی است که حضور صوت و نیروی جادویی صدا در آن به وضوح نمایان است. ذکر که مدام با یک ریتم و تُن صدای یکسان و هماهنگ تکرار می‌شود برای ایجاد حالت خلسه و مراقبه و تغییر هوشیاری اثری بسیار نیرومند دارد. این ذکرها حتی در خود حوزه فرهنگی، مذهبی و قومی خاص نیز گوناگونی بسیار دارد اما آنچه در تمامی آنها مشترک است، تکرار یک آهنگ خاص از یک کلام

* کارشناس ارشد مردم‌شناسی و پژوهشگر صدا و سیما

مقدس است، تکراری که تدریجاً فرد را از حالت هوشیاری دنیوی خارج کرده و قدرت الهی را رها می‌کند و این نیروی خداوندی است که برای مقاصد مختلفی از جمله شفای بیماران به کار گرفته می‌شود. ذکر گفتن یکی از روش‌های جهانی، سراسری و باستانی است که معمولاً در مراسم ویژه همراه با طبل کوبی و دست زدن، جفجغه و سایر اسباب و آلات موسیقی به کار گرفته می‌شد.

چنین عملی مهیا کننده یک هیجان احساسی و روحی است که قدرت روانی را تا یک سطح بسیار بالا ترفیع می‌بخشد. این حالت به ویژه هنگامی اتفاق می‌افتد که ذکر در یک گروه گفته شود. گاهی این هیجان به قدری زیاد است که یک سطح هوشیاری شوریده حال و دیوانه‌وار ایجاد می‌کند.

ذکر تشکیل شده از یک نام، یک کلمه یا هجا

نام خداوند تقریباً در تمام دنیا به عنوان نیرومندترین ذکر محسوب می‌شود. ذکر در واقع تکرار یک عبارت مقدس است و مدخلی است برای ورود به سطوح عالی آگاهی و هوشیاری و از طریق این سطوح عالی است که عبادت کننده می‌تواند به تمامی قدرت خود برای برکت دادن و شفابخشیدن به خود و دیگران دسترسی پیدا کند. از طریق توجه به قصد و نیت، ثن صدا، ملودی، هارمونی، صدا، ریتم و تکرار طولانی مدت ذکر تغییری در سطح هوشیاری ذکر گوینده به وجود می‌آید. انرژی حاصل از این عمل می‌تواند در جهت شفابخشی نیز متمرکز شود. سکوت پایان ذکر به ذاکر اجازه می‌دهد که توجهش را به تنفس که به آرامی داخل و خارج می‌شود متمرکز کند. فرد به قدرت تولید شده از ذکر تسلیم می‌شود و به این قدرت اجازه می‌دهد که آزادانه در درون به فعالیت بپردازد.

آیین‌ها و سنت‌های باقی مانده در دنیای امروز به خوبی نشان‌دهنده قدرت شفابخشی موجود در صداست. یونانیان باستان معتقد بودند که موسیقی حاوی قدرتی برای شفا دادن روح و جسم است. آنها از فلوت و چنگ برای درمان بیماری‌هایی نظیر نقرس و سیاتیک استفاده می‌کردند. استفاده از نیروی صدا، صوت، ذکرگویی و بهره‌گیری از نیروی شفابخشی آن بخش مهمی از فرهنگ اسلامی را نیز در بر دارد. ذکرگویی یک آیین الهی و به معنای یادآوری است که به ویژه در تصوف و عرفان اسلامی پیشینه‌ای تاریخی دارد.

در قرآن می‌بینیم که دائماً مسلمانان به ذکر و یادآوری خداوند تشویق می‌شوند. در سوره بقره ۱۰۴ آمده: «یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را و شکر کنید مرا و ناسپاسی نکنید.» یا در سوره نساء آیه ۱۰۳ آمده «فاذکروالله قیاماً و قعوداً و علی جنوبکم...» به یاد آرید پروردگار را به هنگام ایستادن و نشستن و یا آنگاه که بر پهلوهایتان آرمیده‌اید و ذکرهاست که باعث علاج بیماری‌های روحی و روانی می‌شود. در دوران باستان بیماران روانی را با نی و ساز چاره می‌کردند و بر بالین بیمار چنگ و تار می‌نواختند. امروزه هم در بعضی از نقاط ایران از جمله در ترکمن صحرا بر بالین بیمار سرخک گرفته، نی می‌نوازند و یا شب و روز رادیو را روشن می‌گذارند، به این نیت که عامل شر و بیماری که با آهنگ خوش و شادی رابطه نداشته، تن بیمار فرار کند.

صور گوناگون واژه ذکر را در معانی: مذکر، تذکار، تذکر دادن و یا تکرار چیزی و حتی ادای آهنگین و آرام نیایش و نماز یعنی به

صورت نجوا، زمزمه زیر لب قابل شنیدن و یادآوری موزون بلند برمی‌شمرند... که از طریق روح در موجودات تجلی نموده و به مبدأ اعلائی خود، اتصال می‌یابد (موریس، ۱۳۷۸: ۷۷). در «واژه‌نامه اصطلاحات تصوف»، درباره واژه «ذکر» چنین آمده است: ذکر، حضور مذکور حقیقی را گویند نزد ذاکر به حق و این ذکر را مراتب است. اول حضور مذکور است در ظاهر، دومین مرتبه ذکر، ذکر خفی باشد، اما به لسان حال ذکر گوید و سوم ذکر مذکور آنکه حضور مذکور و غیب ذاکر با هم باشد. (برتلس، ۲۵۳۶: ۱۹۸)

ذکر گفتن و دیگر تکنیک‌های صوتی درمانگری در تمام دنیا رواج دارد. ذکرهایی چون الله (allah)، آمین (amen)، هیو (hiu)، شالم (shalom)، آلوایا (alleluia) و بسیاری از ذکرهای دیگر به طور گسترده در تمام دنیا در تمدن‌های باستان و مذاهب مختلف به کار گرفته می‌شد. (ملک راه، ۱۳۸۵: ۲۵۱)

درباره ریشه تاریخی ذکر خنجر نظرات مستند و دقیقی وجود ندارد. اجرای این مراسم را گروهی عرفانی -نمایشی و عده ای هم رزمی - نمایشی دانسته‌اند. اما می‌توان گفت که با درآویش صوفیان مرتبط بوده که در ابتدا در بخارا این رسم دیده شده است و از آنجا به نقاط دیگر رفت. چون بخارا یک شهر بازرگانی بود، علاوه بر ایرانیان، ازبک‌ها، قرقیزها و اقوام دیگر هم در آن شهر دیده می‌شدند و مروج آن فرقه «نقشبندیه» و یکی از یاران و شاگردان «بهاءالدین معین» معروف به «مشرّب دالی» (مشرّب دیوانه) بوده است. (گور، ۱۳۶۳: ۳۱۶). وامبری در کتاب سیاحت می‌نویسد: موقعی که من به بخارا رسیدم ناگهان درآویش نقشبندی را دیدم که دسته هفتگی خود را تشکیل داده و رژه می‌روند. منظره این‌گونه بود که مردان با کلاه‌های نوک تیز و عصاهای بلند و موهای پریشان مانند اشخاص جن‌زده حلقه‌ای ساخته، شروع به رقص کردند، در ضمنی که مشغول رقص بودند دسته‌جمعی با صدای بلند سرود هم می‌خواندند و همیشه بیت اول را رئیس ریش خاکستری آنها شروع می‌کرد و بقیه دنبالش را می‌گرفتند. (نک: وامبری: ۲۲۶ و سارلی: ۱۱۱)

در ایران زمان تیموری تشیع بر تصوف سایه‌ای گسترده بود و صوفیان علوی بسیار شده بودند. در آن زمان طریقه نقشبندی عکس‌العملی بود در برابر این اوضاع. طریقه‌ای که سنی خالص است و اساس آن حفظ آداب شریعت و تقید به سنت و دوری از بدعت و طریقه نقشبندی یک جریان اصلاحی در تصوف و دین نیز بود. بهاءالدین همه آداب و رسوم و شعائر رایج صوفیه چون ذکر جلی و خلوت و عزلت و سماع و غیره را ملغی کرد و هر چه را از دایره مسلمانی بیرون بود و رنگی از بدعت داشت باطل شمرد. و لذا بهاءالدین را برخی «مجلد مایه ثامنه» شمرده‌اند. (پارسای بخارائی، ۱۳۵۴: ۲۵)

قبایل ترکمن به دلیل شرایط زندگی عشایری و ایلاتی که داشتند همیشه با حیوانات وحشی در مبارزه بودند. لذا قبل از شکار و شروع نبرد با حیوانات وحشی و درنده این مراسم را اجرا می‌کردند تا روحیه گرفته و در مبارزه پیروز شوند و یا قبل از شکار حیوانات با اجرای این مراسم پیروزی در شکار را تضمین می‌کردند. این نمایش هنری یک نوع آمادگی کامل برای رزم و مبارزه در گذشته‌های دور است که طی آن جنگجویان و مبارزان صحرا، پیش از عزیمت به میدان نبرد، شمشیرها را به دست گرفته و با دور هم جمع شدن و

چرخیدن و انجام حرکات موزون که با نعره و فریاد همراه بوده، خود را برای نبرد یا مقابله با دشمنان آماده کنند و بعد از آن روانه میدان نبرد می‌شوند. از این منظر، رقص خنجر و سایر تحرکات رزمی - جمعی بدین دلیل به وجود آمدند تا روحیه مبارزه‌جویی را تقویت نمایند.

در این مورد نمایشات خاص مردم «آشور» (حدود ۲۵۰۰ سال پیش، هم عصر مادها) آموزش‌های رزمی و تعلیمی عصره‌خامنشیان ایران و ورزش‌ها و نمایشات رزمی دولت شهر «اسپارت» در تمدن یونان قدیم را نیز می‌توان نام برد. اسلام در قرون چهارم و پنجم هجری به تدریج در آسیای مرکزی و در میان اقوام ترک، رواج یافته است، به طوری که بعدها شهرهای خیوه، بخارا و سمرقند در کنار مراکز اسلامی آن زمان مثل بغداد و قسطنطنیه یا روم شرقی به عنوان مراکز دینی و علمی در آسیای مرکزی ظاهر می‌شوند و بعد شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم آسیای مرکزی به دنبال ورود فرهنگ اسلامی و عربی دستخوش تحولات می‌گردد. «نمایش ذکر» نیز نمی‌توانست به دور از این جریان‌های اجتماعی باشد و می‌بایست خود را با تغییرات و تحولات جدید وفق بدهد تا زنده و پایدار بماند.

بنابراین این هنر نمایشی برای بقا و دوام خود در مذهب حل می‌شود و بعد جنبه مذهبی به خود می‌گیرد و امروزه «ذکر» صرفاً به خاطر یاد الله و تقرب به خالق یکتا و بی‌همتاست. غزلهایی هم که در اجرای این هنر نمایشی اجرا می‌شود، جنبه عرفانی داشته و از اشعار شاعران و عارفان به نام گذشته استفاده می‌شود. امروزه گرفتن خنجر به دست غزل‌خوان گروه، یادگار آن دوران باستان است. بعلاوه «آیین گوات» در بلوچستان و «آیین زار» در خلیج فارس را نیز باید از همین سنخ دانست (معطوفی، ۱۳۸۳: ۱۹۶۰) و به ویژه آیین «پرخوانی» (خواندن زیاد اوراد و حرکات نمایشی دست و پا) را به «شمن» مرتبط می‌سازند.

عده‌ای از محققان «پرخوانی» یا

«پری خوانی» را اساس و پایه این نمایش هنری در پیش از اسلام و در دوران «شامانیسم» می‌دانند. براساس این عقیده، شخص پری‌خوان که از علم طب سنتی و دانش و تجربه برخوردار است، با گرفتن کارد آتشین بر دست و با انجام حرکات تعجب‌انگیز، بیماران روانی را معالجه می‌کرده است. پری‌خوان معتقد بوده است که اجنه و پریان، فکر و روان شخص بیمار را به اسارت خود



درآورده‌اند و بایستی روح او را از زندان اجنه و پریان آزاد کنند تا او بتواند دوباره به زندگی و کار روزانه‌اش برگردد و به همین مناسبت حرکات نمایشی خود را، در حالیکه چند نفر دوتارنواز هم در کنار شخص بیمار نشسته‌اند و آهنگ می‌نوازند، انجام می‌دهند تا اینکه این بیمار روحی و روانی مداوا گردد. البته مراسم ذکر خنجر با نام «گوش و پری» نیز در بین زنان ترکمن رواج داشته است.

مناسبت‌های ذکر خنجر

ترکمن‌ها رقص نمایشی ذکر خنجر را در مراسم مختلف نظیر جشن و اعیاد و یا جشن‌های بزرگ قبیله‌ای اجرا می‌کنند. این آئین مذهبی در زمانهای قدیم در جشن و عروسی‌ها (مراسم ختنه سوران و تولد فرزند) و ضیافت گرامیداشت هم سن شدن افراد با طول سالهای زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، برگزار می‌شد. شایان ذکر است که ترکمن‌ها هنوز هم وقتی به سن ۶۳ سالگی،

**ترکمن‌ها رقص نمایشی ذکر خنجر را در
مراسم مختلف نظیر جشن و اعیاد و یا
جشن‌های بزرگ قبیله‌ای اجرا می‌کنند**

یعنی سن پیامبر اسلام (ص)، می‌رسند جشن می‌گیرند. در اصطلاح ترکمنی به این آئین مذهبی «آق قویین» یا «آق آش» می‌گویند. همچنین آئین هنری «ذکر الله» در مراسم ضیافت حج رفتن افراد، ختم قرآن کریم و موقع برافراشته شدن آلاچیق جدید برای فرزندان متأهل خانواده و غیره انجام می‌شده است.

نحوه اجرای ذکر خنجر

گروهی از مردان که تعدادشان معمولاً بین ۷، ۹ و ۱۱ نفر در نوسان است دور هم جمع می‌شوند. در زمان اجرای مراسم غالباً پیشکسوت گروه به خاطر تجربه و مهارت بیشتر نقش رهبر و غزل‌خوان را به عهده می‌گیرد. برای آغاز و اجرای مراسم افراد گروه از کلاه‌های سفید دارای پشم‌های بلند (معمولاً از پوست گوسفند) به نام «بخور تلپک»، لباس بلند و قرمز رنگ مردانه ویژه به نام «دون» یا «قزل»، شال بر کمر، خنجری که بین شال و کمر قرار می‌گیرد و کنش‌هایی به نام «چارق» استفاده می‌کنند.

در میدان اجرا نخست گروه در دو ردیف مساوی به فاصله چند متری در برابر هم قرار می‌گیرند. رهبر یا غزل‌خوان طوری جایش را در بین آنها انتخاب می‌کند که همگی او و حرکات و اشارات هدایت‌کننده‌اش را به راحتی ببینند. با آغاز کار مراسم، چند مرحله پشت سر هم و بدون وقفه انجام می‌گیرد.

اول: «دورماغزل» (غزل آغازین) است که با خواندن غزلی عرفانی توسط رهبر گروه با صدایی آرام و شمرده در شکل نیایش و ذکر الله شروع شده و در این هنگام همگی به اتفاق رهبر گروه دستان خود را مقابل سینه به سوی آسمان دراز می‌کنند و ذکر آغاز می‌شود. در این

مرحله افراد به حالت ایستاده و با خم و راست نمودن زانو و دست راست به سمت جلو هم زمان با سردادن آوای مخصوص «هووه» (همان یاهو) از ته گلویشان خود را با صدای رهبر که مشغول خواندن غزلی می‌باشد هماهنگ می‌کنند.

دوم: «یکه دهم» (دهم به معنی ضربه زدن و کوبیدن پا به زمین). در این مرحله به صورت یک ضربه‌ای با ریتم ۴/۲ و سپس در مرحله بعدی پاها به صورت سه ضربه‌ای به زمین کوبیده می‌شوند. در این شرایط افراد همگام با آهنگ غزل (دلی - دیوانه) خم می‌شوند و با پیمودن مسیری دایره وار با حرکتی موزون و هماهنگ پاها را به جلو و عقب می‌گذارند و هنگام چرخیدن پای راست خود را یک بار به سمت مرکز دایره می‌کوبند و دوباره به حالت اول برمی‌گردند. این حرکات در حقیقت اولین تحرکات برای آمادگی گروه محسوب می‌شوند. سپس افراد به تدریج به حرکات خود سرعت می‌بخشند و با بلند و خشن کردن تَن صدا و رزمی نمودن حرکات فضای تهییج را به اوج می‌رسانند. آنان تا هنگام اشاره رهبر گروه جهت ورود به مرحله سوم همچنان حرکت یک گام خود را ادامه می‌دهند.

سوم: یا «اوج دهم». در این مرحله افراد گروه در همان حالتی که هستند به صورت حلقه‌وار حرکات خود را تغییر می‌دهند و با تشکیل دایره‌ای کامل هر کدام از افراد سه گام به جلو رفته، بعد به سوی مرکز دایره می‌چرخند و پای راست خود را یک بار به وسط دایره و بار



دیگر به سمت محیط دایره می‌کوبند و باز به حالت اول در محیط دایره قرار می‌گیرند و همان حرکت را تکرار می‌کنند.

اما در همین مقطع رهبر گروه در زمان معینی کلمه «خنجر» را به زبان می‌آورد. در این هنگام آنها رهبر را در میان گرفته و

در وسط میدان در یک مکان جمع می‌شوند، طوری که یک جا افراد گروه روی یک زانو و دایره وار به سمت مرکز دایره

می‌نشینند و خنجرهای خود را به دست گرفته پا بلند شدن و کوبیدن پای راست خود به جلو، خنجرهای خود را به سمت

بالا می‌برند. این حرکت و نمایش نقطه پایانی رقص خنجر محسوب می‌شود که معمولاً از آغاز تا این وضعیت حدود ۱۵

دقیقه به درازا می‌انجامد. (معطوفی، ۱۳۸۳: ۱۹۶۳). در زیر نمونه‌ای از غزل ذکر خنجر را می‌آوریم:

ایا دوسلار برادرلار	ایمدان شو نقاریم اوشدی
توتای دیسام قولیم یتمز	ایکی باقیم اوزلیب قاچدی
آمین خدا	آمین خدا (اعضاء دست را بالا می‌برند)

هو ، ها ، هو (همسرایان در حالت حلقه و چرخش)

ای کریم بو با کریم قادر خدای سندان مدد

هر نه بولغای کل عالم انبیا سندان مدد

هو ، ها ، هو (همسرایان در حالت حلقه و چرخش)

ای آلی آلی، ای آلی آلی

ای گوزیم سنی ای گوزله یار

ای دیلیم سنی ای سوزله یار

ای قلبیم سنی ای استه یار

آلی آلی آلی

استه یور آی آلی آلی

استه یور هو ، ها ، هو (همسرایان در حالت حلقه زده و چرخشی که در پایان دست‌ها در یک نقطه‌ی مشترک رو به بالا گرفته می‌شود).

ترجمه:

ای یاران، برادران

مرغ شاهینم ز دستم گریخت

دستانم به گرفتن آن قادر نیست

زیرا دو دستم از بدنم گسیخت

خدایا مرا یاری ده

هو ، ها ، هو

ای کریم کارساز قادر متعال از تو مدد

ای آدم و حوا انبیا از تو مدد

ای انبیا هر چه هستی عالم از شماست مدد از تو

ای حبیب فخر جهان محمد مصطفی از تو مدد

هو ، ها ، هو

یا رب، یا رب، یا رب

چشمانم ترا می‌نگرد زبانم گویای توست

قلیم ترا می‌خواهد یا رب یا رب

ترا یا رب

ترا هو ، ها ، هو (همسرایان در حالی که حلقه زده و می‌چرخند ناگهان در پایان چرخش دست‌ها را در یک نقطه مشترک رو به آسمان

می‌گیرند و ثابت می‌شوند). (دیه جی، ۱۳۷۹: ۱۱۶)

در پایان پرخوان که از ابتدا خنجری را در دست گرفته است آن را به بالا می‌آورد. با این حرکت پرخوان، رقصندگان نیز دست‌های خود را

در یک نقطه‌ی مشترک بالا می‌گیرند که تداعی‌گر نمایی از یک آلاچیق و یا گنبد نیز می‌تواند باشد. همچنین با ایجاد هیجان، در این مراسم

استفاده از درونمایه‌های اعتقادی و بیان رشادت و نقل حماسه و رزم، احساس جوانمردی و جنگجویی و حماسه آفرینی را در مخاطب

برمی‌انگیزند.

نمادهای اصلی ذکر خنجر:

ذکر خنجر ضمن احراز ماهیت آیینی، دارای ابعاد و نمادها و سمبل‌های مختلفی است که در تمامی لحظات، اجرا با آن پیوند خورده است و به همین سبب یکی از پربرترین آیینهای ترکمن است. این آیین از جهت تأثیرگذاری بر مخاطبین و پرورش ذهن جمعی، دارای طبقات خاصی است که به این ترتیب می‌توان ذکر کرد:

آیین توسل و درمان

شکلی است که در نوع خود بی‌نظیر است، چرا که با کلامی معنوی - اسلامی تلفیق شده و شکل بدیعی پدید آورده که جای بررسی فراوان دارد و به جهت درمانی کاربرد دارد. این توسل جویی توسط پرخوان انجام می‌شود. وی تلاش می‌کند تا ارتباط گروه همسرا و تماشاگران را با خداوند مستحکم نماید و یا سعی می‌کند در پیامد این نیایش، بیمار مورد نظر یا آن کودکی که به بیماری سرخک مبتلا گشته سلامتی خود را بازیابد.

کشمکشی خاص و ویژه در درون این اجرای نمایشی پنهان است و آن کشمکش شخص پرخوان با آسمان و عالم الهی است. به عبارتی پرخوان با ذکر خوانی و نیایش خود در تلاش است تا با عالم آسمانی و پروردگار و اولیاءالله مرتبط گشته و از آنان در رفع بیماری و پیروزی قبیله‌اش در برابر دشمن و رستگاری آنان یاری جوید.

در این آیین نمایشی نقطه اوج آن همزمان با پایان یافتن اجراست، زیرا که زمانی که ذکر خوانی و مراسم هم‌سرایان به اتمام می‌رسد و دست‌ها رو به آسمان در یک نقطه مشترک ثابت می‌مانند کشمکش بین نیروها به اوج خود می‌رسد و در این لحظه است که تماشاگران و اجراکنندگان در اوج مراسم منتظر گره‌گشایی هستند. در پایان مراسم در اوج تعلیق و کشمکش، بیمار و تماشاگران منتظر امر شفابخشی و سلامت بیمار خود هستند که ماجرا مسیری رو به اتمام را طی می‌کند. از طرفی مراسم ذکر خنجر دارای دو بخش است: یکی ارتباط کلامی و آوایی بین پرخوان و هم‌سرایان؛ است به صورتی که پرخوان اشعاری را می‌خواند و در پایان هر قطعه شعر، هم‌سرایان آوای «آهی، آهی، آهی، آهی، آهی» را در پاسخ به پرخوان تکرار می‌کنند. در بخش دوم اجرای «تک‌گویی» یا «منولوگ» توسط پرخوان است که خطاب به آسمان از پروردگار طلب یاری، مغفرت و آمرزش می‌نماید.

۲- آیین رزم و حماسه

پایه اصلی اجرای مراسم رقص خنجر بر اشعاری استوار است که توسط پرخوان خوانده می‌شود. مضمون این شعرها در گذشته، شجاعت و رشادت و جنگاوری مردان ترکمن در میدان نبرد بوده است و امروزه بیشتر نیایش و غزل‌های عارفانه‌ای است که به هر چه

نزدیک‌تر شدن به پروردگار تأکید دارد.

یکی از عناصری که در این مراسم دیده می‌شود خنجری است. که کار ویژه این عنصر در صحنه این نمایش آیینی اتحاد بخشیدن به افراد گروه و دعوت آنان و تماشاگران به ارتباط بیشتر با خداوند و دریدن لایه‌های پلیدی و سیاهی است.

عنصر رنگ در مراسم رقص خنجر کاملاً نمادین است.

ذکر خنجر ضمن احراز ماهیت آیینی، دارای ابعاد و نمادها و سمبل‌های مختلفی است که در تمامی لحظات اجرا با آن پیوند خورده است و به همین سبب یکی از پربارترین آیینهای ترکمن است

لباس سرخی که بر تن می‌پوشند همگی نشانه‌ای از خون، نبرد و تقابل است و از سویی نشانگر عشق و علاقه مرد ترکمن به سرزمین و به قبیله خود. رنگ زرد شال کمر علاوه بر زیبایی خاص خود در تاریکی و در شب می‌تواند شاخص افراد باشد. رنگ زرد در این مراسم نشانه زندگی، حیات بخشیدن و باروری نیز هست. کلاه سفید پشمی بیانگر صلح‌جویی و اندیشه پاک اقوام ترکمن است. زبانه‌های سرخ و آبی آتش داخل آلاچیق نمادی از مبارزه با شب و تاریکی و از بین بردن بیماری و نوید زندگی و حیات است. حرکت هم‌سرایان بر روی یک محور دایره‌ای شکل طراحی شده است. این محور حول مرکزیت خود در طول اجرای نمایش برخلاف جهت حرکت عقربه‌های ساعت در حال چرخش است. افراد گروه ضمن چرخیدن بر روی این خط دایره‌ای رقص پا نیز انجام می‌دهند. پاها حالت رفت و برگشت به داخل حلقه دایره‌ای و خروج از آن را تکرار می‌نمایند که در اثر این تکرار رقص خنجر شکل گرفته و تکمیل می‌گردد. در پایان مراسم در نقطه‌ای پرخوان، خنجر خود را رو به آسمان گرفته و بالا نگه می‌دارد. در این هنگام چرخش پا و حرکت دایره وار هم‌سرایان که بر خلاف جهت حرکت عقربه‌های ساعت ادامه داشته، متوقف می‌گردد و دست راست همه افراد گروه در یک نقطه مشترک در آسمان می‌ماند و به این ترتیب این حماسه‌ها نسل به نسل در اذهان می‌گردند و باقی می‌مانند.

نتیجه

در آیین ذکر خنجر، بزرگداشت زندگی در تمام اشکال آن و تلاش برای یگانگی و وحدت با طبیعت در ذکر مشهود است. این ذکر برای یکی شدن با طبیعت و نظام مقدس کیهانی اجرا می‌شود. در زندگی روزمره انسان هر آنچه در دایره نظم و تعقل و توازن قرار دارد اصل است و خروج از این توازن نوعی انحراف محسوب می‌گردد. اگر این انحراف و ناهنجاری در روح و روان انسان باشد باید به گونه‌ای در روان منظم و مدار طبیعی حیات قرار داده شود مادامی که ریتم درونی و نظم روحی انسان، هماهنگ با محیط پیرامون او باشد. انسان به روال طبیعی و منظم زندگی خود ادامه می‌دهد هرگونه خلل در ریتم طبیعی حیات موجب نابسامانی وجود انسان و مخمل

شدن این ریتم طبیعی می‌گردد. بنابراین ذکر خنجر به این وسیله می‌تواند با ارتباط دقیق و هم‌آهنگی تنگاتنگ با دیگر ابعاد و اجزاء فرهنگی در حفظ کلیت و مجموعه نظام فرهنگی - اجتماعی نقش خود را ایفا کرده و در حفظ خصوصیات مختلف فرهنگی آن نظام بکوشد.

منابع:

- برتلس، یوگی، *تصوف و ادبیات تصوف*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۲۵۳۶.
- پارسای بخارائی، محمدبن محمد، *قدسیه* (کلمات بهاء الدین نقشبند)، تصحیح احمد طاهری عراقی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۴.
- دیه جی، عبدالرحمن، *مقدمه‌ای بر ادبیات عامیانه ترکمن‌ها*، تهران: پژوهنده، ۱۳۷۴.
- ریس، جیمز، *ذکر و تکرار*، ترجمه منیر صالح مجتهد، نامه فرهنگستان علوم، ۱۳۷۸.
- زرین کوب، عبدالحسین، *ارزش میراث صوفیه*، تهران: انتشارات آریا، ۱۳۴۴.
- سارلی، ارازمحمد، *ترکستان در تاریخ*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- گور، ژان، *خواجه تاجدار*، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، جلد دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- معطوفی، اسدالله، *تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمنان*، جلد سوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ملک راه، علیرضا، *آیین‌های شفا: مباحثی در مردم‌شناسی پزشکی ...*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، پژوهشکده مردم‌شناسی، ۱۳۸۵.
- وامبری، آرمینیوس، *سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه*، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.

-the arch of metahistory: sacred natued/ <http://www.Metahistory.org>